جستار

اما و اگرهای مذاکرات ایران و عربستان

صابر گلعنبری
کارشناس مسائل بین‌الملل

نزدیک به چهار ماه از دور چهارم گفت‌وگوها میان ایران و عربستان در بغداد می‌گذرد، اما هنوز از سرگیری این گفت‌وگوها در هاله‌ای از ابهام بود تا اینکه اخیراً فواد حسین، وزیر امور خارجه عراق به ایران سفر کرد و یکی از اهداف مهم سفر وی هم برگزاری هرچه زودتر دور پنجم گفت‌وگوها بود. بعد از این سوال احتمال از سرگیری گفت‌وگوها در سایه پیگیری و تلاش مستمر دولت عراق بالا رفته، اما هنوز تاریخ دقیقی مشخص نشده و به نظر می‌رسد که این مساله با یک سری متغیرات میدانی و سیاسی گره خورده است. اما پرسش کانونی این است که چرا از سرگیری این گفت‌وگوها این همه به تاخیر افتاده است؟ در پاسخ می‌توان به عوامل متعددی اشاره کرد که در عین اظهار تمایل دو طرف اصلی برای تداوم مذاکرات، اما در عمل موجب کندی روند و توقف نزدیک به چهار ماه آن شده است. نخست عاملی فنی است که به اوضاع داخلی عراق و انتخابات آن بر می‌گردد. دور چهارم گفت‌وگوها حدود دو هفته‌ای قبل از انتخابات پارلمانی عراق برگزار شد که بعد از آن عملا عراق وارد فاز تنش داخلی در نتیجه اعتراضات به نتایج انتخابات شد و دولت این کشور روی این مساله متمرکز شد. در همین حال هم، تداوم کشمکش‌های داخلی و متهم شدن الکاظمی – مباحیتگر ایران و عربستان –از سوی متحدان عراقی تهران به دستکاری نتایج انتخابات تا حدودی از تمایل ایران برای انجام گفت‌وگوها در این شرایط کاست. در آن سو هم، چهار دور از گفت‌وگوها برگزار شده بود و سطح دور آخر از هم بالا بود که از طرف ایران سعید ایروانی، معاون بین‌الملل شورای عالی امنیت ملی و از طرف عربستان نیز خالد الحمیدان، رئیس دستگاه اطلاعات آن کشور شرکت کرده بود. اما گفت‌وگوها در چهار دور جز پیشرفت‌های موضعی پیشرفت محتوایی نداشت و طرف‌ها تا توانستند گل و بلبلی برای یکدیگر و از اهمیت کاهش اختلافات و تنش‌ها و اتحاد اسلامی و غیره سخن گفتند، اما ترجمان آن صرفا در ملایم شدن ادبیات رسانه‌ای مقامات دو کشور نمود یافت و عملا نه تنها آتش سبی در مناطق بحران زده در منطقه رخ نداد بلکه درگیری و تنش‌ها هم تشدید شد و اوضاع یمن و لبنان گواهی بر این مدعاست. این گفت‌وگوها در حالی آغاز شد و ادامه یافت که عربستان با جابه جایی قدرت در آمریکا و همسو با درخواست‌های دولت جدید از اعلام آتش بس و آمادگی خود برای حل بحران یمن خبر داد و حملات ائتلاف کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت، اما در عین حال محاصره مناطق تحت کنترل انصارا... به قوت خود باقی بود. در این شرایط اما محلات موشکی و پهپادی به عربستان و تاسیسات حساس آن و بیشروی آنها در داخل یمن به ویژه در منطقه مارب شدت یافت. از این رو، از همان دور اول گفت‌وگوها در بغداد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مطالبه طرف عربستانی توقف حملات انصارا... بود، اما طرف ایرانی با این قرائت که این خواسته از سر استیصال و عجز است، دست بالا و اکنش نشان داده و ریاض را به صنعا و مذاکره مستقیم با آن حواله داد؛ تلاشی که معطوف به سوق دادن ریاض به شناسایی قدرت حاکم بر صنعا به عنوان بازیگر برتر داخلی در یمن بود. اما عربستان که ایران را همه کاره صنعا می‌داند، از ورود به فاز مذاکره مستقیم با انصارا... یمن اجتناب می‌کند. در دور چهار گفت‌وگوها، گویا طرف ایرانی پیشنهادهایی به طرف عربستانی به ویژه درباره بحران یمن از جمله توقف حملات و رفع محاصره مناطق تحت کنترل انصارا... ارائه می‌دهد. در مقابل نیز عربستان نگرانی‌های خود را از برنامه‌ها و سیاست‌های ایران در چند حوزه بیان می‌کند. اما عربستان در ادامه‌ی قابل تامل پس از دور چهارم به ویژه در هفته‌های اخیر رویکرد خود در یمن را تغییر می‌دهد و حملات را با آن شدت هفته‌ها و ماه‌های آغاز جنگ از سر می‌گیرد و در این مدت حملات متعدد و نسبتا بی‌سابقه‌ای در سالیان اخیر در صنعا و مناطق دیگر از جمله شهوه انجام می‌دهد که هنوز هم ادامه دارد. به موازات آن نیز فشارهای عربستان بر لبنان با قطع روابط سیاسی به بهانه اظهارات جرج قرداحی تشدید می‌شود. جالب اینجاست که ازسرگیری حملات شدید در یمن و همچنین فشارها بر لبنان برای اخراج حزب‌ا... از قدرت به نوعی با از سرگیری مذاکرات وین همزمان شد و با کندی مذاکرات، حملات در یمن به شدت بالا گرفت. به هر حال اگر هم صرفاً از قاب گفت‌وگوی عربستان و ایران به تحولات امروز یمن بنگریم، می‌توان گفت که انگیزه مهم ریاض از این کار در سایه مواضع پیشین ایران در گفت‌وگوها نوعی اهرم سازی و خلق برگه فشار برای بازگشت دست بر به گفت‌وگوهای دو جانبه است. از این رو، در حالی که گویا طرف ایرانی به درخواست بغداد برای شروع دور پنجم گفت‌وگوها پاسخ مثبت داده، اما به گفته منابع آگاه ظاهرا هنوز عربستان پاسخی نداده است.

ویژه

گمانه‌زنی درباره سفر رئیسی به روسیه

وبگاه یک شبکه خبری ترکیه‌ای در تحلیلی در زمینه سفر آتی رئیس‌جمهور ایران به روسیه در هفته‌های آتی نوشت خرید جنگنده سوخو- ۳۵ و سامانه دفاع موشکی در بحبوحه تحریم‌های آمریکا در دستور کار این سفر قرار دارد. یک شبکه خبری ترکیه‌ای نوشته انتظار می‌رود «سیدابراهیم رئیسی» رئیس‌جمهور ایران در سفر خود به روسیه در هفته‌های آتی علاوه بر تلاش برای تعمیق روابط میان دو کشور به دنبال پیشبرد یک توافق دفاعی میان دو کشور که از مدت‌ها پیش معطل مانده باشد. به گزارش وبگاه شبکه خبری «تی‌آر‌تی» نوشته انتظار می‌رود روسیه یک توافق ۳۰ ساله برای همکاری‌های نظامی و دفاعی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار را با ایران به امضا برساند. این قرارداد ممکن است خرید ماهواره رانیز پوشش دهد. بر اساس این گزارش، سفر رئیسی به روسیه باعث توسعه همکاری‌های نظامی- فنی آن دو کشور به طی خواهد شد. تهران انتظار دارد حداقل ۲۴ فروند جنگنده «سوخو- ۳۵» چند منظوره فوق مانوربذیر خریداری کند. نیروی هوایی ایران تاکنون ۳۲ خلبان را انتخاب کرده که پرواز با سوخو- ۳۵ را فرا گیرند.

مرتضی مبلغ در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فقدان فرایند گفت‌وگو مردم را رنج می‌دهد

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

عملیات روانی گسترده‌ای برای القای پایان اصلاحات در جریان است

موضوع تشکیل دولت سایه در بین اصلاح‌طلبان مطرح است

اقتدارگرایان در نهایت به اصلاحات تن خواهند داد

واقعیت‌ها خود را بر شعارهای بی‌پشتوانه تحمیل خواهد کرد

بدیلی برای اصلاحات، به بیراهه رفتن است

اصلاح‌طلبان از موفقیت دولت حمایت خواهند کرد

آرمان ملی - احسان انصاری: جریان اصلاحات با چالش‌های درونی خود چه خواهد کرد؟ چرا هیچ نشانه‌ای برای تغییر و بازتعریف در رویکردهای جریان اصلاحات مشاهده نمی‌شود؟ چرا ژنرال‌های جریان اصلاحات کمتر در صحنه حضور دارند و از موضع‌گیری درباره شرایط موجود طفره می‌روند؟ آیا اصلاحات تنها در سطح گفتمانی ادامه پیدا خواهد کرد و یا فروپاشی تشکیلاتی به خصوص در ساحت قدرت موجود خواهد بود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر مرتضی مبلغ فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: «اصلاح‌طلبان به دلیل آنچه در انتخابات اخیر رخ داد با چالش‌های جدی بدو افزون تری مواجه شده‌اند. رفتار حاکمیت در انتخابات به شکلی بود که برای بسیاری که معتقد به اصلاح‌طلبی بودند این روند معیوب برخورد صورت نمی‌گیرد. جدید و بی‌سابقه‌ای از نظر استحاله زیرساخت‌های نظام یعنی انتخابات کرده لاقل سؤالات و ابهامات زیادی را در این زمینه به وجود آورده که به صورت مستقیم جریان اصلاحات و نحوه تداوم آن را تحت الشعاع قرار داده است. "در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

می‌خواهد خود را در ساخت قدرت و جامعه باز تعریف کند؟

با توجه به شرایط موجود اصلاح‌طلبان به سه اقدام فوری و ضروری نیاز دارند. نخست بازسازی و نوسازی گفتمانی به این معنا که با توجه به دلسردی و سرخوردگی عارض شده بر جامعه با عنایت به نیازهای اقتصادی و معیشتی و مردم و توجه به گفتمان‌های انحرافی و پرهزینه‌ای که برای اصلاح‌طلبان سبز به دنبال تحمیل آن به کشور است راهبرد غالب و سازنده‌ای برای برون‌رفت از وضعیت موجود را تدوین و در جامعه دنبال کنند. این راهبردها باید در راستای توانمندسازی و ارتقای سطح آگاهی جامعه، عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و متوازن و کاهش تضادها و تخریب‌های سیاسی و امثالهم باشد. دوم بازسازی و نوسازی تشکیلاتی است که باید در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار بگیرد. سوم اشاعه فرایند و فرهنگ گفت‌وگو در ساحت‌های مختلف کشور است. آنچه امروز جامعه ایران را رنج می‌دهد و زمینه را برای یکه‌تازی نیروهای تندرو، متعصب و متوهم فراهم کرده فقدان فرایند و سازوکارهای گفت‌وگو است. با ترویج و عملیاتی شدن فرایند گفت‌وگو نیروهایی سیاسی واقع‌بین‌تر شده و بسیاری و توهم‌ها و سوظن‌ها کاهش پیدا می‌کند و زمینه‌ها برای هم‌افزایی به‌جای تخریب فراهم می‌شود. البته در کنار این باید دو اقدام مهم دیگر نیز صورت بگیرد. نخست توجه به درون و آسیب‌شناسی رفتارها، گفتارها و عملکردهای درونی و پایش مستمر آنها، مقابله با هرگونه انحراف و خطاهای درون جبهه‌ای و دیگر مقابله هوشمندانه و مؤثر با عملیات روانی گسترده‌ای که از سوی اقتدارگرایان برای القای پایان اصلاحات و اصلاح‌طلبان در جریان است.

> **متأسفانه احزاب قانونی و به‌خصوص احزاب اصلاح‌طلب زیر عینک‌های امنیتی قرار دارند. این در حالی است که یکی از اصول انتخابات و تحزب در همه کشورها این است که احزاب و تشکل‌ها با انتخابات پیوند حقوقی و اگر انیک داشته باشند. این در حالی است که انتخابات در ایران هیچ نسبتی با احزاب ندارد**

موضوع تشکیل دولت سایه در بین اصلاح‌طلبان به چه میزان جدی است؟ آیا شرایط کشور برای چنین اقداماتی مناسب است؟

اصولاً یکی از وظایف و اقدامات احزاب در کشورهای توسعه‌یافته تشکیل دولت سایه است. با این‌وجود در ایران به دلیل ضعف احزاب و فضارهای امنیتی و اجتماعی که متوجه احزاب است بسیاری از کارکردهای مهم احزاب محقق نمی‌شود. هدف از دولت در سایه این است که احزاب زمانی که در قدرت نیستند دو اقدام اساسی را در دستور کار قرار بدهند. نخست تهیه و ارائه طرح‌های ویژه برای اداره کشور به‌خصوص برای حل مشکلات جامعه و ایجاد گشایش‌های جدید برای زندگی بهتر مردم و دوم پایش روند جاری مدیریت کشور و نقد سیاست‌ها و برنامه‌های اشتباه و ناکارآمد و ارائه راه‌حل‌های بدیل و سازنده به این موضوع در بین احزاب فعال و پیشرو حاکمیت اصلاح‌طلب است و اتفاقاً شرایط کشور و نحوه مدیریتی که بر آن حاکم شده بیشتر اقتضای به وجود آمدن دولت سایه را به وجود آورده است.

چرا در جامعه‌ای که ثروت وجود دارد، فقر پیدا می‌کند؟

پاسخ به این سوال خیلی پیچیده نیست یکی اینکه آن ثروت بسیار ناعادلانه توزیع می‌شود و دیگر اینکه آن ثروت باز تولیدی به نفع یک فرایند رشد و توسعه دائمی و پایدار مبتر نمی‌شود یعنی ثروت در جهت باز تولیدی که رشد و توسعه ماندگار و ثمربخش برای توده‌ها ندارد و در کشور ما ایران به طور قطع و یقین هر دو دلیل وجود دارد و باید گفت سه عنصر فقر، بی‌عدالتی، ناکارآمدی همزاد یکدیگرند در واقع سه ضلع‌اند که بهم پیوسته و وابسته‌اند.

جوانان چه انتظاری از جامعه و مسئولان دارند؟

بسیاری از آنان می‌گویند که کشور ما، کشور ثروتمندی است و کشور ثروتمند کشوری است که توان بازتولید خوشبخت کردن، احاد جامعه و حرکت به سوی برآوردن نیازهای جامعه به سمت تحقق آرزوهای راهبری از فقر و پیشرفت را دارد، وقتی چنین اتفاقی نمی‌افتد به طور طبیعی حس که جامعه از نظر اقتصادی بیشتر به نفع توانگران رشد می‌کند. با این سیستم فشل اقتصادی امکان ندارد، آن ثروت از دست توانگران خارج شود و نصیب فقرا و محرومان شود.

آیا نفت در توانگری توانگران و محرومیت محرومان نقش دارد؟

در کشور ایران از گذشته‌های بسیار دور، منابع نفتی هدر می‌رفته است و برای مدت‌های مدیدی این منابع از دست مردم خارج بوده است، از زمان بهره‌برداری نفت یعنی از زمان ویلیام ناکس دارسی آن زمان که رضا شاه قرارداد مذکور را داخل تجاری انداخت که از آن عمل دود میهن پرستی به مشام خیلی‌ها رسیده است و البته قراردادهایی از آن تاریخ بسته شد که جزئی نصیب مردم نشده است.

آیا دکتر مصدق نفت را برای این ملی کرد که از دست توانگران بگیرد؟

دکتر محمد مصدق و نامش برای این بر تارک تاریخ ایران باقی مانده است که با تنظیم مثلث ملی کردن نفت، کارآمدی استفاده و بهره‌مندی از نفت، کارآمدی مدیریت مردمی، زنده یاد دکتر مصدق این مثلث را می‌شناخت و برای اجرا بر آن تسلط کافی داشته است. اول اینکه سرمایه و ثروت که متعلق به مردم ایران بوده است در اختیار آنان قرار گیرد، دوم اینکه با کارآمدی و عدالت مردم از آن استفاده کنند، سوم اینکه برای این کارآمدی به مدیریت مردمی نیاز است، به همین دلیل مرحوم دکتر مصدق اصلاح قانون انتخابات را مطرح کرد، او برای خود برنامه‌هایی داشت و سیاست‌های توزیع عادلانه مانند افزایش حقوق معلمان و تشکیل سازمان‌های بیمه‌های اجتماعی را پیگیری کرد.

نظام سرمایه‌داری جهانی که نمود آن در ایران قبل از انقلاب تجلی پیدا کرد آیا به دنبال عدالت اجتماعی بود؟

به طور قطع و یقین نظام سرمایه‌داری و مبلغان و مقلدان آن هرگز نگران فقر و محرومیت نیستند بلکه بیش از هرچیز نگران انباشت ثروت و سرمایه است، در این فرایند، آدم فقیر و محروم جایی ندارد، و انباشت ثروت و سرمایه تا به کارآمدی کشیده نشود و تا به نظام توزیع عادلانه و نظام عدالت اجتماعی راه پیدا نکند فقر و محرومیت از بین نمی‌رود و ریشه کن نمی‌شود.

آثار انباشت سرمایه، در گسترش فقر و محرومیت چه نقشی دارد؟

انباشت سرمایه به تقویت یک طبقه ویژه قدرتمند منجر می‌شود چراکه آمریکا ابرقدرت می‌شود برای اینکه می‌گوید اگر فقیران کنار خیابان مردند، می‌خواهد خود را در ساخت قدرت و جامعه باز تعریف کند؟

آیا این انباشت سرمایه در چه نقطه اقتصادی قرار گرفته است؟ امروز اصلاحات دارای چه جایگاهی در جامعه است و چه باز گفتمانی را حمل می‌کند؟

اصلاحات یک پروسه و فرایند است و همان‌طور که بارها گفته‌شده است آموزه‌های اصلاح‌طلبی آموزه‌های غالب تاریخی جامعه ایران بوده و هست. با این‌وجود این گفتمان همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. فراز و نشیب‌های گفتمان اصلاحات نیز به دو دلیل بوده است. نخست به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه که متناسب با نیازها و اقتضائات زمانه برخی ابعاد آن مهم‌تر و برجسته‌تر می‌شود و در قالب خرده گفتمان در ذیل گفتمان اصلی ظاهر می‌شود. به‌عنوان مثال در شرایط کنونی که مشکلات اقتصادی و معیشتی بر جامعه حاکم شده توجه به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار و متوازن به‌خصوص درزمینه اقتصادی برجسته شده است. به همین دلیل نیز عمده بار گفتمانی جریان اصلاحات معطوف به همین امر شده است. دلیل دوم فراز و نشیب‌های جریان اصلاح، به شرایط سیاسی و امنیتی بازمی‌گردد که در برخی مقاطع بر جامعه حاکم می‌شود. در چنین شرایطی نیروهای اقتدارگرا و اصلاح ستیز باعث به حاشیه رفتن این گفتمان و حاملان آن می‌شوند. متأسفانه در شرایط کنونی گفتمان اصلاحی با این معضل هم مواجه شده است. محافظه‌کاران با استفاده از انواع امکانات و ابزارهای عمومی و خصوصی درصدد تحمیل گفتمان خود و به حاشیه راندن گفتمان اصلاحی درآمده‌اند. البته تجربه تاریخی نشان داده که این اقدامات عمر چندانی ندارد و مطالبات و ضرورت‌های جامعه بر رویکردهای اصلاح ستیز غلبه پیدا می‌کند. به‌خصوص اینکه جامعه ایران به‌خوبی و عمیقاً به این ادراک رسیده که هیچ بدیل غالب و سازنده‌ای برای اصلاحات وجود ندارد و هر بدیل دیگری به بیراهه رفتن است و به فاجعه‌های جبران‌ناپذیر منجر خواهند شد.

آیا مردم این بار گفتمانی را درک می‌کنند و می‌پذیرند؟ چه نشانه‌هایی در این زمینه وجود دارد؟

مردم نه تنها گفتمان عدالت و توسعه را درک می‌کنند بلکه در شرایط نابه‌سامان امروز به این نتیجه رسیده‌اند که این گفتمان قدرتی ترین و ضروری ترین راه نجات آنها نیز هست. مشکل این است که نیروهای اصلاح ستیز با همه توان و با استفاده از امکانات عمومی به مقابله با اصلاح‌طلبانه حامل گفتمان اصلاحی هستند برخاسته‌اند. برخی مشکلات، خطاها و ناکارآمدی‌های دولت قبل که به‌پای اصلاح‌طلبان نوشته‌شده است علاوه بر دلسرد کردن مردم زمینه مناسبی برای مخالفان اصلاح‌طلبی و عملیات آنها فراهم کرده است. همان‌طور که تاکنون نیز کما بیش مشخص شده است به تدریج واقعیت‌ها و نحوه مدیریت جامعه خود را بر شعارهای بی‌پشتوانه این گروه‌ها تحمیل خواهد کرد و ماهیت و محتوای تحرکات و شعارهای آنها بیش از پیش آشکار خواهد شد.

با توجه به چشم‌انداز آینده کشور اصلاحات چگونه حرکت اقتصاد ایران رقابت سالم و شفافیت وجود داشته باشد و اراده مسئولان اجرایی اینگونه نباشد، به طور قطع و یقین این بیماری در اقتصاد ریشه‌کن خواهد شد.

اصلاح زیرساخت‌ها چه نقشی در مبارزه با فساد دارد؟

اگر با پدیده فساد و ثروت اندوزی نامشروع مقابله نشود وجود این پدیده شوم که در حال افزایش است موجب نومیدی و تکیدگی جامعه و تسلط عمق بخشیدن به فساد دارند. در دولت‌هایی که زیر تحریم قرار می‌گیرند، دولت‌ها سخت‌تر بر خود می‌کنند اما دولت ایران متاسفانه آزادتر رفتار می‌کند. ما مسئول خرابکار را از سمتی که در آن سمت خرابکاری کرده بر می‌داریم و به سمت دیگر منصوب می‌کنیم، ضعف مطبوعات در کشور ما که باید چشم و گوش مسئولان باشند در گسترش فساد دخیل است. از طرفی مسئولان موظف به پاسخگویی سوالات مطبوعات نیستند. در مبارزه با ریشه فساد بی‌پشتوانه بودن آنهاست. وقتی مبارزه با مفاسد اقتصادی مطرح می‌شود باید ببینیم در پشت پرده چه کسانی به اصحاب قدرت کمک می‌کنند. به غیر از سرمایه‌دارانی که درصدد توسعه قدرت و سلطه خود هستند، وقتی فردی به قدرت می‌رسد به آن اسپانسر مالی خود مدیون است و باید امکاناتی برای آن فراهم کند؛ مثلا انحصار واردات موز یا فروش گندم، اما نمی‌دانم چرا با این روند معیوب برخورد صورت نمی‌گیرد.

با توجه به شرایط بغرنج معیشتی مردم از دیدگاه شما باید چه اقداماتی از سوی دولت صورت پذیرد تا شاهد تغییر وضع موجود به نفع مردم و بهبود وضع اقتصادی و معیشتی جامعه باشیم؟

شرایط جامعه به لحاظ اقتصادی خوب نیست و مردم در زندگی روزمره خود با چالش‌هایی از جمله افزایش نرخ کالاها و مایحتاج زندگی مواجه‌اند. چنانکه اقلام و مایحتاج مورد نیاز مردم روز به روز و ساعت به ساعت در حال بالارفتن است. این در حالی است که ارزش پول ملی پایین آمده است. گرچه مردم فقط با این مسائل و مشکلات مواجه نیستند. بلکه بحران آب، برق و... نیز در نوع خود شرایط را برای مردم کشور سخت کرده است. البته طرح این موضوعات برای این نیست که بخواهیم به دولت یا مجموعه نظام ایراد بگیریم بلکه صرفاً گفتن مسائل و مشکلات موجود در جامعه است که باید همه عقلای نظام و آن کسانی که به مساله امنیت ملی توجه دارند و به توسعه و پیشرفت کشور می‌اندیشند باید بنشینند برای حل این مشکلات چاره‌ای بیاندیشند. اینگونه نیست که مشکلات کشور راه‌حل نداشته باشد، اتفاقاً از آنجا که ایران به جهت منابع از برخوردارترین کشورها است حتما راه‌حل‌هایی برای حل مشکلات موجود در جامعه وجود دارد. اما با این اوضاع و احوال و کارهای وصله پینه‌ای هیچ مشکلی از مشکلات جامعه و مردم حل نخواهد شد. از طرف دیگر بسیار گفته می‌شود که باید با کشورهای همسایه ارتباط برقرار کنیم اما زمانی که تولید داریم اما بیشتر تولیداتمان در داخل مصرف می‌شود و صادراتمان نیز چندان چشمگیر نیست باید مسلم دانست که ریالی ارز از خارج به کشورمان وارد نمی‌شود. لذا بایستی موازنه‌ای میان صادرات و واردات داشته باشیم. امروز هیچ موازنه‌ای میان صادرات و واردات وجود ندارد و بنابراین به لحاظ استانداردسازی بدترین صادرات را به دنیا داریم. به همین علت است که تمام صادرات محصولات کشورمان حتی از روسیه و سایر کشورهایی که دوست ما محسوب می‌شوند این کالاها برگشت زده می‌شود. اینکه فکر کنیم یک دیدگاه، حرف، گروه یا جریان سیاسی بتواند مشکلات کشور را حل کند چنین چیزی امکان پذیر نیست. برای حل مشکل اقتصاد کشور باید یک اجماع کلی در کشور به وجود آید و آن را به عنوان اولویت عملکردی و در دست اقدام قرار دهند. دولت، مجلس و جریانات سیاسی باید مسائل سیاسی، جناحی و... را کنار بگذارند و همه در راستای یک هدف مشترک به حل مشکلات اقتصادی امور جامعه بپردازند. مشکلات جامعه حل شدنی است فقط عزم و اراده جدی می‌خواهد.

در شرایط فعلی که جامعه به لحاظ اقتصادی در وضعیت سختی قرار است و امید به آینده و اعتماد به مسئولان و روندها کمرنگ شده چگونه می‌توان اعتماد عمومی را بازیابی کرد؟

بازگشت اعتماد مردم را صرفا در حوزه اقتصادی نباید جست و جو کرد بلکه در تمام زمینه‌ها باید به دنبال احیای اعتماد کاهش یافته بود. عدم اعتماد به مردم همواره جواب داده و هر جا کار را به دست مردم سپرده‌ایم و درصدد حل مشکلات مردم بر آمدیم آنها نیز حمایت بی‌دریغ خود را نثار مجموعه حاکمیت و نظام کرده‌اند. در زمان حضرت امام خمینی(ره) به مردم اعتماد شد و مردم توانستند در اوج گرفتاری‌ها مشکلات اصلی جنگ را حل کنند. هر زمان اعتماد لازم در مردم به وجود آمده و آنها مشارکت داشتند، به میدان آمدند و مشکلات را حل کردند. مردم باید از تمام وجود احساس کنند که دولت در پی حل مشکلات آنها و کشور از آنها است و مسئولان فکری جز خدمت و حل و فصل کارهای بر زمین مانده ندارند.

سید رسول موسوی، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مشکلات با «اصلاحات روبنایی» حل نمی‌شود

فقر، بی‌عدالتی و ناکارآمدی همزاد یکدیگرند

کارهای وصله پینه‌ای مشکلی از مردم حل نخواهد کرد

مشکلات جامعه حل شدنی است فقط اراده جدی می‌خواهد

آرمان ملی: نگاهی به وضعیت زندگی مردم نشان می‌دهد که در جامعه چه خبر است. افزایش لجام گسیخته قیمت‌ها، سفره کوچک شده مردم و وضع بغرنج معیشتی آنها باعث شده تا اعتماد عمومی نسبت به روندهای موجود در جامعه کاهش یابد و مردم نسبت به دولت رئیسی نیز خنثی یا قربب به گذشت ۶ماه از روی کار آمدن اعتراضاتی در خصوص برخی عملکردها داشته باشند. این در حالی است که دولت و پیش نر از آن مجلس با وعده بهبود وضع معیشت جامعه و تغییر به نفع مردم روی کار آمدند اما شرایط جامعه روایت دیگری دارد. در این راستا برای بررسی شرایط جامعه، چگونگی بازیابی اعتماد عمومی و حل مشکلات اقتصادی «آرمان ملی» با سید رسول موسوی نماینده ادوار مجلس به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

مهم نیست، مهم این است که من به انباشت سرمایه به ویژه در حوزه‌های نظامی و قدرت جهانی نظر دارم، اروپای شمالی نیز فقر نیست که ابرقدرت شود چراکه ابرقدرت شدن، سنگدلی در توزیع ناعادلانه ثروت و بردن منابع به سمت و سوی هدف‌های ابرقدرتی لازم دارد و ابرقدرتی هرگز با عدالت در توزیع صدرصد موافق نیست و آن را بر نمی‌تابد.

شاخص فلاکت چه هست و چه چیزی را بیان می‌کند؟

شاخص فلاکت حاصل جمع نرخ بیکاری و تورم است و در اوج درآمدهای نفتی به عدد ۴۰ رسید و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این شاخص در سال ۹۸ به ۲۴/۲ افزایش یافته است و این تکیدگی، سیاست را از زندگی مردم حذف می‌کند تا حدی که مردم آن را امری فانتزی می‌خوانند و در آوردن یک تکه نان را بر همه امور ترجیح می‌دهند، مردم می‌گویند که مسائل قضائی و حقوقی جائی در امور سیاسی و جریان‌های وابسته به آن ندارند، بنابراین در دوره جدید ریاست آقای محسنی‌اژه‌ای در قوه قضائیه جلوی این مسائل گرفته شود تا وقتی کسی اگر از طرف دستگاه قضائی موضوعی را مطرح کند، مردم احساس کنند که اظهارات او صرفا براساس مسائل حقوقی و قضائی مطرح می‌شود و مسائل سیاسی جایی در دستگاه قضائی ندارند.

نظام مالیاتی عمیق و مقتدر چه نقشی در از بین بردن ریشه‌های فقر دارد؟

نبود نظام مالیاتی عمیق و واقعی در کشور موجب فرار مالیاتی می‌شود. زمانی که ثروتمندان مالیات ندهند و سهم جامعه را از درآمدهای افسانه‌ای خود نپردازند ثروت این طبقه هر روز افزوده می‌شود تا جایی که قادر خواهند بود تمام ابعاد اقتصادی را هم در زیر چتر انحصار خود تعریف و کنترل کنند. اگر در قبال ثروت افزونی نامشروع تمام لایه‌های نظام نفوذ؛ سیاست‌گذاری در نظام به نفع سرمایه، ثروت و سود به نفع مردم صورت نگیرد به طور کلی در آینده نظام و حرکت آن اثرگذار خواهد شد.

عدم مقابله با فساد اقتصادی چه نقشی در گسترش فقر در جامعه دارد؟

مهم‌ترین فساد و ثروت اندوزی نامشروع مقابله نشود وجود این پدیده شوم که در حال افزایش است موجب نومیدی و تکیدگی جامعه و تسلط فقر کشنده مخصوصا بر طبقات پائین جامعه می‌گردد و می‌تواند اعتراض شدید طبقه پائین جامعه را به همراه داشته باشد و البته استمرار این پدیده در اقتصاد ایران فاصله بین فقیر و غنی را افزایش خواهد داد اگر در جریان مبارزه با فساد بی‌پشتوانه به ویژه در حوزه‌های نظامی و قدرت جهانی نظر دارم، اروپای شمالی نیز فقر نیست که ابرقدرت شود چراکه ابرقدرت شدن، سنگدلی در توزیع ناعادلانه ثروت و بردن منابع به سمت و سوی هدف‌های ابرقدرتی لازم دارد و ابرقدرتی هرگز با عدالت در توزیع صدرصد موافق نیست و آن را بر نمی‌تابد.

شاخص فلاکت چه هست و چه چیزی را بیان می‌کند؟

شاخص فلاکت حاصل جمع نرخ بیکاری و تورم است و در اوج درآمدهای نفتی به عدد ۴۰ رسید و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این شاخص در سال ۹۸ به ۲۴/۲ افزایش یافته است و این تکیدگی، سیاست را از زندگی مردم حذف می‌کند تا حدی که مردم آن را امری فانتزی می‌خوانند و در آوردن یک تکه نان را بر همه امور ترجیح می‌دهند، مردم می‌گویند که مسائل قضائی و حقوقی جائی در امور سیاسی و جریان‌های وابسته به آن ندارند، بنابراین در دوره جدید ریاست آقای محسنی‌اژه‌ای در قوه قضائیه جلوی این مسائل گرفته شود تا وقتی کسی اگر از طرف دستگاه قضائی موضوعی را مطرح کند، مردم احساس کنند که اظهارات او صرفا براساس مسائل حقوقی و قضائی مطرح می‌شود و مسائل سیاسی جایی در دستگاه قضائی ندارند.

نظام مالیاتی عمیق و مقتدر چه نقشی در از بین بردن ریشه‌های فقر دارد؟

نبود نظام مالیاتی عمیق و واقعی در کشور موجب فرار مالیاتی می‌شود. زمانی که ثروتمندان مالیات ندهند و سهم جامعه را از درآمدهای افسانه‌ای خود نپردازند ثروت این طبقه هر روز افزوده می‌شود تا جایی که قادر خواهند بود تمام ابعاد اقتصادی را هم در زیر چتر انحصار خود تعریف و کنترل کنند. اگر در قبال ثروت افزونی نامشروع تمام لایه‌های نظام نفوذ؛ سیاست‌گذاری در نظام به نفع سرمایه، ثروت و سود به نفع مردم صورت نگیرد به طور کلی در آینده نظام و حرکت آن اثرگذار خواهد شد.

عدم مقابله با فساد اقتصادی چه نقشی در گسترش فقر در جامعه دارد؟

اگر با پدیده فساد و ثروت اندوزی نامشروع مقابله نشود وجود این پدیده شوم که در حال افزایش است موجب نومیدی و تکیدگی جامعه و تسلط عمق بخشیدن به فساد دارند. در دولت‌هایی که زیر تحریم قرار می‌گیرند، دولت‌ها سخت‌تر بر خود می‌کنند اما دولت ایران متاسفانه آزادتر رفتار می‌کند. ما مسئول خرابکار را از سمتی که در آن سمت خرابکاری کرده بر می‌داریم و به سمت دیگر منصوب می‌کنیم، ضعف مطبوعات در کشور ما که باید چشم و گوش مسئولان باشند در گسترش فساد دخیل است. از طرفی مسئولان موظف به پاسخگویی سوالات مطبوعات نیستند. در مبارزه با ریشه فساد بی‌پشتوانه بودن آنهاست. وقتی مبارزه با مفاسد اقتصادی مطرح می‌شود باید ببینیم در پشت پرده چه کسانی به اصحاب قدرت کمک می‌کنند. به غیر از سرمایه‌دارانی که درصدد توسعه قدرت و سلطه خود هستند، وقتی فردی به قدرت می‌رسد به آن اسپانسر مالی خود مدیون است و باید امکاناتی برای آن فراهم کند؛ مثلا انحصار واردات موز یا فروش گندم، اما نمی‌دانم چرا با این روند معیوب برخورد صورت نمی‌گیرد.

با توجه به شرایط بغرنج معیشتی مردم از دیدگاه شما باید چه اقداماتی از سوی دولت صورت پذیرد تا شاهد تغییر وضع موجود به نفع مردم و بهبود وضع اقتصادی و معیشتی جامعه باشیم؟

شرایط جامعه به لحاظ اقتصادی خوب نیست و مردم در زندگی روزمره خود با چالش‌هایی از جمله افزایش نرخ کالاها و مایحتاج زندگی مواجه‌اند. چنانکه اقلام و مایحتاج مورد نیاز مردم روز به روز و ساعت به ساعت در حال بالارفتن است. این در حالی است که ارزش پول ملی پایین آمده است. گرچه مردم فقط با این مسائل و مشکلات مواجه نیستند. بلکه بحران آب، برق و... نیز در نوع خود شرایط را برای مردم کشور سخت کرده است. البته طرح این موضوعات برای این نیست که بخواهیم به دولت یا مجموعه نظام ایراد بگیریم بلکه صرفاً گفتن مسائل و مشکلات موجود در جامعه است که باید همه عقلای نظام و آن کسانی که به مساله امنیت ملی توجه دارند و به توسعه و پیشرفت کشور می‌اندیشند باید بنشینند برای حل این مشکلات چاره‌ای بیاندیشند. اینگونه نیست که مشکلات کشور راه‌حل نداشته باشد، اتفاقاً از آنجا که ایران به جهت منابع از برخوردارترین کش